

جریان های عمده جنبش پروتستان

نویسنده: اسماعیل توکلی

چکیده:

پروتستان یکی از شاخه های اصلی مسیحیت بوده و جریان ها و شاخه های آن در کشور های مسیحی، از جمله جریان های اثر گذار در دنیای مسیحیت می باشد. جریان های اصلی جنبش پروتستان عبارتند از: نهضت اصلاح لوتری، تسوینگلی، کالوینی، انگلیکن و آناپاتیست که در این مقاله به توضیح اجمالی هر یک از این جریان ها پرداخته می شود.

مقدمه:

پروتستان از لغت «protest» به معنای شکایت و اعتراض است و پیشینه آن به قرن شانزدهم باز می‌گردد. پس از رنسانس، مکاتب فکری و عقیدتی متعددی ظهور کردند. در این دوره اندیشه دینی در دنیای مسیحیت به شدت منزوی شده بود، اما در میان اندیشمندان دینی نیز، عده‌ای انتقادهایی را به کلیسا و حاکمیت دینی روا می‌داشتند. آنها معتقد بودند که باید در مجموع عقاید و آداب دینی تجدید نظر شود و باورهایی که زاییده افکار کلیسا و کشیشان است، از دین جدا و دین خالص مسیحی بر همگان آشکار گردد. این جریان فکری به «اصلاح دینی» یا «پروتستانیزم» مشهور گردید.

قرن شانزدهم اوج این حرکت اصلاح طلبانه و اعتراضی است. مؤثرترین حرکت در پی اعتراضات مارتین لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۳) در کشور آلمان به وجود آمد. جنبش‌های اصلاحی پیش از او هیچ‌کدام به ایجاد یک گروه مجزا و مشخص در مسیحیت نینجامیدند. مارتین لوتر نیز هدف اولیه‌اش تأسیس کلیسای خاصی نبود، بلکه می‌خواست کلیسای موجود را اصلاح کند.^۱ جنبش اصلاحی لوتر، الهام بخش

^۱ ویور، مری جو؛ «درآمدی به مسیحیت»، ترجمه حسن قنبری، ص ۱۷۶.

جنبش‌های اصلاحی دیگر در قرن شانزدهم شد، از جمله تسوینگلی (۱۵۳۱-۱۴۸۴)، کالوین (۱۵۶۴-۱۵۰۹) و... دیدگاه برخی از آنها تندتر و برخی معتدل‌تر از او بود. عوامل مختلفی در ظهور پروتستانیزم اثرگذار بوده‌اند که آنها را در دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

الف) عملکرد سیاه کلسیای کاتولیک؛ از جمله فساد مالی و اخلاقی کلیسا، فروش آمرزش‌نامه، تفتیش عقاید، مجازات و شکنجه مخالفان. به طوری که غربی‌ها ده قرن حاکمیت کلیسا بر کلیه امور اجتماعی جهان مسیحیت را «عصر تاریکی» می‌نامند و رنسانس، نتیجه فشارهای این دوران بود.

ب) عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ از جمله فروپاشی فئودالیسم، ظهور طبقات جدید اجتماعی، گسترش ارتباطات، تشکیل نهادهای مدنی اعم از شوراها، پارلمان‌ها و... و بالاخره حوادث سیاسی قرن شانزدهم انگلستان^۱.

طریقه‌های اصلی جنبش اصلاح دینی

چهار روش عمده از نهضت اصلاح دینی به وجود آمد که عبارتند از^۲: نهضت لوتری، نهضت اصلاحی تسوینگلی و کالوینی، نهضت انگلیکن (یا تنودور) و نهضت رادیکال (یا آناباپتیست). این نهضت‌ها به موضوعات اساسی واحدی علاقه داشتند، اما رویکردهای آنها متفاوت بود. نقطه مشترک آنها مخالفت با عقاید سنتی کلیسای کاتولیک درباره ماهیت نجات، کلیسا و مرجعیت دینی بود.

الف) نهضت اصلاح لوتری

شهرت لوتر^۳ در اثر مخالفت‌هایش با «فروش آمرزش‌نامه‌ها»^۱ بود. او در اعلامیه‌ای مشتمل بر ۹۵ ماده پیشنهادی انتشار داد. برخی از پیشنهادهای او از نظر ایمان

^۱. مک گراث، آلیستر؛ «مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی»، ترجمه بهروز حدادی، ص ۸۱-۷۳.

^۲. ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۷۶.

^۳. مارتین لوتر در ابتدا به عنوان راهب، گوشه‌ عزلت گزید، ولی بعد به عنوان کشیش و سپس استاد در دانشگاه به تدریس کتاب مقدس پرداخت. در همین زمان دیدگاه‌هایش دستخوش تغییرات بنیادین شد. در سفرش به رم به عمق فساد دستگاه پاپی پی‌برد و تحت تأثیر حواری مشهور «پوگس» به این نتیجه رسید که تنها با «ایمان»، نجات حاصل می‌شود. به دنبال اعلامیه ۹۵ ماده‌ای و کشمکش‌های پیرو آن، در سال ۱۵۲۰ پاپ خواستار تجدید نظر لوتر شد و به شدت وی را توییح کرد، اما لوتر نامه او را در ملأ عام سوزاند. در ژانویه همان سال حکم «تکفیر» و «توقیف» وی صادر شد. اما لوتر با حمایت برخی امیران محلی در امان ماند. با گسترش پیروان او، امپراتور کوشیدند به زور وحدت مذهبی ایجاد کند، اما ناکام ماند. در نتیجه ناچار به

کاتولیکی مردود و ناپذیرفتنی بود. لوتر در صدد بود کلیسا را طبق تعالیم اصلی کتاب مقدس اصلاح کند (به همین دلیل نهضت وی «اصلاح انجیلی» نامیده شد). اکنون کلیسای انجیلی لوتری در کشورهای اروپای شمالی (آلمان، نروژ، سوئد، دانمارک و فنلاند) گسترش یافته است.^۲

با مرور زندگی، مطالعات و مهارت‌های مارتین لوتر، عوامل مؤثر در نظرات اصلاحی او را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود: عدم احترام [و انتقاد] به کشیشان در خانواده^۳، در دوران کودکی ترس از غضب الهی^۴، ریاضت شدید در دیر^۵، مطالعه فلسفه ارسطو و

صدور فرمانی شد که به امیران اختیار می‌داد از میان دو مذهب کاتولیک و لوتری هر کدام را که می‌خواهند، انتخاب کنند. در سال ۱۵۲۹ امپراتور در صدد لغو فرمان پیشین خود برآمد، ولی امیران لوتری اعتراض کردند. کشمکش‌ها تا سال ۱۵۵۵ طول کشید. در این سال امپراتور فرمان پیشین خود را مجدداً ابقا کرد.

^۱. «فروش آمرزش‌نامه‌ها» از این قرار بود که عده‌ای از واعظان مسیحی، مناطق مختلف اروپا را زیر پا گذاشتند و در همه جا اعلام کردند که هر مؤمنی می‌تواند با پرداخت مقداری پول به کلیسا، خود را از مجازات باز خرید کند و نجات دهد. کلیسا معتقد بود که مرگ تعدی و قربانی‌وار عیسی و اعمال نیک و قدس‌ها، خزانه‌ای از شایستگی را عرضه داشته است که نظیر یک حساب بانکی، کلیسا می‌تواند دیون گناه کاران را از آن بپردازد. آموزش‌نامه‌ها حواله این حساب بودند. گناه کاران می‌توانستند با انجام دادن آنچه کلیسا پیشنهاد می‌کرد، نظیر کارهای خیر، دعاها و طاعات،

آمرزیده شوند. هنگامی که لوتر اعتراض معروف خود را بر ضد فساد کلیسا آغاز کرد، آمرزش‌نامه فروشی وضعیت بسیار بدی داشت. میشل، توماس، کلام مسیحی ترجمه حسین توفیقی ص ۱۰۸ و درآمدی به مسیحیت ص ۱۷۸.

^۲. میشل، توماس کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، ص ۱۰۹.

^۳. ناس، جان بایر، پیشین، ص ۶۶۸.

^۴. همان، ص ۶۶۸.

^۵. بومر، فرانکلین لوفان پیشین، ص ۲۲۱.

^۵. همان.

مک گراث، آلیستر، پیشین، ص ۱۹۵.

رد آن^۱، مطالعه و تدریس کتاب مقدس^۲، مشاهده فساد نظام پاپی در طی سفر به رم^۳، تحصیل ادبیات و علوم انسانی^۴، تحصیل [تا دکترا] در رشته الهیات^۵، تأثیر اومانیسیت‌ها^۶، روحیه محافظه‌کاری^۷، فشارها و مخالفت‌ها و برخوردهای شدید کلیسا^۸ و مطالعه و تأثیرپذیری از الهیات پولس و آگوستین^۹ و

هر کدام از این عوامل در جنبش اصلاحی لوتر به لحاظ دامنه و عمق، تأثیر خاصی داشته‌اند که در این مجال فرصت پرداختن به آنها نیست.

بسترهای محیطی و بیرونی اقبال به این جنبش نیز مواردی است که پیش از این گفته شد. اما بهانه و نقطه شروع آشکار این حرکت، همان «فروش آمرزش‌نامه‌ها» توسط مقامات کلیسا بود؛ یعنی بازخريد و نجات گناه‌کاران با پرداخت پول به کلیسا. لوتر به شدت به آن اعتراض کرد. وی برای ایجاد بحث در این رابطه، با همکاری جمعی از

۱. ناس، جان بایر، پیشین، ص ۶۶۸ و ۶۷۱.

۲. ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۸۱ و ۱۷۹؛

مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۱۹۶؛

ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۹-۶۶۸؛

ادیب آل علی، محمد؛ پیشین، ص ۱۲۵.

۳. ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۶۸؛

ادیب آل علی؛ محمد؛ پیشین، ص ۱۲۷.

۴. مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۱۹۵.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۹۸.

۷. ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۱-۶۷۲؛

ویور، مری جو؛ پیشین؛ ص ۱۸۲.

۸. همان، ص ۱۸۱؛

ویلسون، برایان؛ پیشین، ص ۷۸؛

ادیب آل علی، محمد؛ پیشین، ص ۱۲۸؛

مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۲۰۰؛ ناس، جان بایر، پیشین، ص ۶۶۹-۶۷۱.

۹. ویلسون، برایان؛ پیشین، ص ۷۸؛

ومر، فرانکلین لوفان؛ پیشین، ص ۲۲۲-۲۲۱.

دوستان هم عقیده‌اش در سال ۱۵۱۷ نامه‌ای مشتمل بر ۹۵ ماده نوشت که در تاریخ کلیسا مشهور و ماندگار شد و بسیار هم مورد استقبال مردم آلمان قرار گرفت.^۱ هدف اصلی لوتر پالایش دین از انحرافات بود. لذا از میان دیدگاه‌های مختلف وی، دو دیدگاه محوری هستند و بقیه به نوعی به یکی از این دو محور مربوط می‌شوند:

۱. تأکید بر صرفاً کتاب مقدس و ایمان به خداوند، با رویکرد پولس^۲ حواری؛

لوتر می‌گفت: تنها قوه حاکم که میان عیسویان حاکم مطلق است، همانا کتاب مقدس است، از این رو، باید آن را برای مؤمنان قابل فهم قرار داد.^۳ او استدلال می‌کرد که مردم نیازی ندارند که مقید به تفاسیر رسمی کلیسا باشند و تأکید داشت که نجات براساس ایمان محض برای مؤمنان تضمین می‌شود.^۴ هم‌چنین لوتر در کتاب نقش‌آفرینی خود به

^۱. ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۶۹؛

ویلسون، برایان؛ پیشین، ص ۷۷؛

مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۱۹۷.

^۲. پولس حواری، که اغلب دومین مؤسس مسیحیت خوانده می‌شود، در آغاز یهودی بود و بر مسیحیان سخت می‌گرفت. تا این که در راه دستگیری مسیحیان، در اثر مکاشفه، دچار تحول شد و به یک مسیحی تمام عیار تبدیل شد. او مسافرت‌های تبلیغی بسیاری انجام داد و عده زیادی را به جمع پیروان حضرت عیسی وارد نمود. اما به تدریج میان او و پطرس حواری که از طرف حضرت عیسی (ع) بر حواریون و رسولان دیگر برتری داشت، اختلاف پیش آمد و این نخستین جدایی در مسیحیت بود. اختلاف این دو، منشأ تحولاتی عظیم در اعتقادات و احکام عبادی مسیحیت گردید. پولس ادعا می‌کرد که مسیح، روح خالص خداوند و غیر مقید به انسانیت است، پطرس و حواریون، مدعی بودند که عیسی، انسان است که از طرف خدا به او الهام می‌شد. در مقابل پولس برای حضرت عیسی الوهیت قائل شد. هم‌چنین پطرس بر لزوم رعایت شریعت تأکید داشت، ولی پولس آن را رد می‌کرد. امروزه کلیسای کاتولیک پطرس را شخصیتی ممتاز و دارای مقام ریاست حواریون می‌داند و مشروعیت نظام پاپی را به او وابسته می‌داند. پروتستان‌ها پطرس را همچون رسولان دیگر و دارای لغزش‌های بیشتر می‌دانند. (نگاه کنید کتاب فرهنگ و مسیحیت در غرب، نوشته مرحوم محمد رضا کاشفی).

^۳. ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۰.

^۴. ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۸۰.

به نام «اسارت بابلی کلیسای مسیح» معتقد است که کلیسا بر انجیل مهتری می‌کند، در حالی که باید خدمتگزار آن باشد^۱

۲. مخالفت با شریعت و سنت. (آنچه کلیسا مبلغ آن بود).

امروز در مجموع، تاریخ‌نگاران اتفاق نظر دارند که انگیزه‌ها و اهداف این نهضت بیش و پیش از هر چیز؛ دینی بود. بازگشت به کتاب مقدس به عنوان مرجع اصلی و کلیسای اولیه به عنوان نمونه و الگو، انکار مرجعیت دینی پاپ و مخالفت با سوء استفاده‌های او و کشیش‌ها، کاستن از تعداد آیین‌ها و مراسم رایج در کلیسا، مخالفت با مراسمی همچون تکریم قدیسان و... (از اهم آن) بود^۲.

آقای جان بایر ناس در کتاب «تاریخ جامع ادیان»، معتقد است: در جریان مخالفت با آمرزش‌نامه‌ها، کم‌کم موضوع اصلاح کلیسا به میان آمد. با مطالعه دقیق کتاب مقدس، برای وی ثابت شد که کلیسای کاتولیک به کلی از کتاب مقدس منحرف است و بسیاری از اعمال آن درست مخالف مبادی عیسی است. در نهایت به این نتیجه رسید... تمام اعمالی که کشیش‌ها در طول قرون وسطی تحت عنوان کفاره و ثواب انجام می‌داده‌اند، باطل است و تمام کشیشان، از اسقف تا پاپ، همه بر خطا می‌روند^۳. به هر حال لوتر نتیجه گرفت که همه سنت تعلیمی کلیسا نادرست است و سنت، که در مقابل حجیت تعلیمی کتاب مقدس قرار دارد، غالباً به خطا رفته است^۴. وی در کتاب اسارت بابلی کلیسای مسیح چنین استدلال کرد که بشارت انجیلی در اسارت کبرای کلیسای رسمی قرار گرفته است^۵. اعتقادات مهم دیگر او که عمدتاً ناشی از دو محور اصلی فوق است عبارتند از:

مخالفت با رهبانیت^۶، مخالفت با آمرزش‌نامه^۷، رد وساطت فیض کلیسا^۱، تأکید بر اهمیت فرد^۲، مخالفت با یهود^۳، لزوم اطاعت از قدرت و دولت^۴ و مخالفت با برخی از اعمال و آیین‌ها، مانند حج، روزه، اعتراف به گناه و نذر کردن^۵ و... .

۱. مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۱۹۹.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۰.

۴. ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۷۷.

۵. مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۱۹۹.

۶. میشل، توماس؛ پیشین، ص ۱۰۸.

۷. - همان، ص ۱۰۹.

ویلسون، برایان؛ پیشین، ص ۹۷؛

اثرات دینی، سیاسی، اجتماعی و علمی

تلاش‌ها و مبارزات و مطالعات لوتر از چند بعد بسیار اثرگذار بود. به لحاظ دینی، لوتر پایه‌گذار پروتستانیزم محسوب می‌شود، گرچه وی در پی آن نبود، ولی پایه‌گذار کلیسای وسیعی شد که امروز بیش از ۲۰ درصد مسیحیان اروپای غربی پیرو آن هستند. به لحاظ سیاسی و اجتماعی وی را منشأ تأثیرات زیادی می‌دانند، گرچه در آن مورد در میان محققان اختلاف وجود دارد. به هر حال، برخی دمکراسی را نتیجه حرکت او می‌دانند و یا حتی ناسیونالیسم و... البته اعتقاد او به اطاعت از اولیای دولت و تسلیم و فرمان‌برداری در دستگاه شاه‌زادگان^۶ به وجهه او بسیار لطمه زد، اما آثار علمی او نیز مورد توجه است. اعلامیه ۹۵ ماده‌ای، از مشهورترین آثار تاریخ کلیساست. ترجمه کتاب مقدس به زبان آلمانی از دیگر آثار مهم و کارگشای اوست.^۷ سه کتاب نیز از او برجای مانده است^۸: خطاب به اشراف آلمان، اسارت بابلی کلیسای مسیح و آزادی فرد مسیحی.

مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۱۹۷.

^۱. ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۰.

^۲. - همان؛

میشل، توماس؛ پیشین، ص ۱۰۸.

^۳. ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۲.

^۴. - همان؛

بومر، فرانکلین لوفان؛ پیشین، ص ۲۲۷.

^۵. میشل، توماس؛ پیشین، ص ۱۰۸.

^۶. - ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۲؛

بومر، فرانکلین لوفان؛ پیشین، ص ۲۲۷؛

مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۲۰۱؛ ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۸۱.

^۷. همان، ص ۲۰۰؛ ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۱.

^۸. مک گراث؛ آلیستر؛ پیشین، ص ۱۹۹.

ب) جنبش اصلاحی «اصلاح شده»

ریشه‌های کلیسای اصلاح شده در تحولات «کنفدراسیون سوئیس» نهفته است. هدف آن، اصلاح اخلاقیات و عبادات کلیسا بود. [نه لزوماً عقاید آن]، براساس الگویی که بیشتر از کتاب مقدس مایه می‌گرفت. متفکران جنبش اصلاح شده چندان توجهی به عقاید نداشتند، برنامه اصلاحی دین متفکران اصول‌گرا اجتماعی و اخلاقی بود و تا حد زیادی به اصلاح طلبی‌هایی که از نهضت اومانیسیم سرچشمه گرفته بود، شباهت داشت.^۱

۱. تسوینگلی

آغازگر نهضت اصلاح شده، مصلحی اهل سوئیس به نام «تسوینگلی»^۲ بود که معاصر لوتر است. او که تحت تأثیر اومانیسیت‌های معتقد به مسیحیت از جمله اراسموس بود، از تجرد کشیشان، رهبانیت و عفو نامه‌فروشی انتقاد می‌کرد.

^۱ مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۶۰.

^۲ اولریش تسوینگلی (۱۴۸۴-۱۵۳۱)، در دره توگنبرگ در کانتون سنت گالن در بخش شرقی سوئیس امروزی، دیده به جهان گشود. وی دوره دانشگاهی خود را ابتدا در دانشگاه وین گذراند. این دانشگاه در آن زمان با هدایت اومانیسیت‌های برجسته‌ای، چون سلطیس پذیرای اصلاحات اومانستی بود. وی سپس به دانشگاه بار رفت و در آن‌جا به تقویت موضع اومانستی خود پرداخت. در سال ۱۵۰۶ به مقام کشیشی نایل شد. در سال ۱۵۱۶ به این نتیجه رسید که کلیسا نیازمند انجام اصلاحات، در چارچوب پیشنهادات‌های اومانیسیت‌های معتقد به کتاب مقدس، مانند اراسموس است. وی در این زمینه به مطالعه پرداخت. در سال ۱۵۱۹ پست جدید خود به نام «کشیش مردم» را در کلیسای جامع زوریخ پذیرفت. او با کنار گذاشتن فهرست رسمی، به موعظه انجیل متی پرداخت. در همین سال به علت شیوع طاعون از آن‌جا گریخت و همین امر تأثیر زیادی بر نحوه تفکرش درباره تقدیر الهی داشت. در سال ۱۵۲۲ فعالانه به تبلیغ علیه تقریباً همه ابعاد آیین سنتی کاتولیک، مانند مراسم قدیسان و... پرداخت. اقدامات او موجب اختلافات شدید شد. در سال ۱۵۲۳ مناقشه علنی شدیدی میان او و مخالفان کاتولیکش در گرفت. شورای شهر به داوری در مورد مناظرات او و بعضی از روحانیون کاتولیک پرداخت. وی به دلیل تسلط بر زبان‌های عبری، یونانی یا لاتین و ترجمه مطالب به زبان محلی، مهارت خود در مورد کتاب مقدس را نشان داد و در نتیجه شورای شهر برنامه او را پذیرفت. در سال ۱۵۲۵، شورای شهر براساس دیدگاه تسوینگلی، دستور داد آلات موسیقی را از بین ببرند، تصاویر و مجسمه‌ها را از کلیسا خارج کنند، کشیشان را به ازدواج تشویق و رهبانیت را لغو کردند. او شوراهای شهرهای دیگر را به همین عمل فرا خواند. در سال ۱۵۲۸ شهر برن نهضت اصلاحی وی را پذیرفت و همین منشأ تأثیر بسیاری شد. تسوینگلی در سال ۱۵۳۱ در یک جنگ دینی کشته شد. توفیق کالون تا حدود زیادی مدیون تسوینگلی است.

مواضع او عبارت بود از:

- ۱,۱. کفایت کلام الهی؛ وی معتقد بود فقط کلام خدا کافی است و نیازی به انبوه تفسیرهای کلیسا و محققان نیست.^۱
- ۱,۲. قیومیت مطلق الهی؛ وی معتقد بود که رستگاری یا محکوم شدن فرد، کاملاً به دست خداوند است. گفته می‌شود این اعتقاد، ناشی از مطالعه آثار پولس حواری، مطالعه سنکا از نویسندگان عهد باستان و تجربه شخصی رویارویی با مرگ در هنگام شیوع طاعون و فرار از آن می‌باشد.^۲
- ۱,۳. مخالفت با آیین‌های مقدس قرون وسطی؛ در حالی که الهیات قرون وسطی هفت آیین مقدس را به رسمیت می‌شناخت، تسوینگی اصرار داشت که «عهد جدید» فقط دو آیین (تعمید و عشاء ربانی) را مجاز می‌داند.^۳
- ۱,۴. مخالفت با سنت‌های کلیسایی؛ وی معتقد بود که مسیحیان فقط باید طبق احکام کتاب مقدس، نه غیر آن، عمل کنند و هر چه از غیر کتاب مقدس به مسیحیت راه یافته، باطل است. وی با نصب تمام صور و تماثیل و صلیب‌ها مخالف بود.^۴

۲. کالون

به اعتقاد بسیاری، تکمیل کننده و تثبیت کننده جنبش «اصلاح شده» کالون^۵ می‌باشد.

(نگاه کنید کتاب مقدمه بر تفکر نهضت «اصلاح دینی»، اثر آلیستر مک گراث و درآمدی به مسیحیت اثر مری جو ویور)

۱. - ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۲؛

- ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۸۲.

۲. مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۲۷۵-۲۷۲.

۳. همان، ص ۸-۳۶۷.

۴. ناس، جان بایر؛ پیشین ص ۶۷۳.

۵. ژان کالون (۱۵۰۹ - ۱۵۶۴) متکلمی پروتستان و اهل فرانسه بود. پدرش متصدی امور مالی اسقف نیش محلی بود. او در اوایل دهه ۱۵۲۰ به دانشگاه پاریس رفت. کالون پس از تسلط کامل بر دستور زبان لاتین

کالون متکلمی پروتستان و اهل فرانسه بود. مطالعات و مهارت‌های بسیار او در روند تثبیت پروتستانیسم و به ویژه جنبش اصلاح شده بسیار مؤثر بوده است. وی به

زارد کولژ دومنتگو شد و پس از گذراندن آموزش‌های سخت در زمینه ادبیات و علوم انسانی، با این که بیشتر مجذوب زبان عبری و مطالعات کلاسیک بود، به مطالعه حقوق پرداخت و برای فراگیری به اورلنانتز رفت. گفته می‌شود مطالعات گسترده کالون در مورد حقوق مدنی، او را با شیوه‌هایی آشنا ساخت که بعدها، در دوره‌ای که وی یک مصلح شناخته می‌شد، از آنها استفاده کرد. وی در مدت فراگیری علم حقوق، زبان یونانی را نیز فراگرفت. در سال ۱۵۲۹ به بورگس رفت و مجذوب حقوق‌دان بزرگ ایتالیایی، آندره آلسیاتی، شد. به عقیده بیشتر کالون شناسان، صراحت بیان کالون ناشی از این ارتباط است. هم‌چنین او در دوران دانشجویی تحت تأثیر اومانیزم‌ها بود.

کالون وقتی به شهر خود در فرانسه بازگشت، کلیسای محلی او را تکفیر کرد، لذا به پاریس رفت. او به طور روزافزون هوادار اندیشه اصلاحی شد که بسیار هم مورد توجه قرار گرفت. به علت دشمنی‌ها در سال ۱۵۳۳ مجبور شد، پاریس را ترک و به شهر بال سوئیس برود. در این جا بود که او با استفاده از فراغتی که به ناگزیر به‌دست آورده بود، در ۲۶ سالگی کتابی منتشر ساخت که تأثیری حیاتی بر نهضت اصلاح دینی داشت. همین کتاب پایه و اساس یکی از نظام‌های پروتستان موسوم به پرسبیتی را تشکیل می‌دهد. وی در مدت باقی‌مانده عمرش تغییرات فراوانی در آن انجام داد، به طوری که ویرایش اول آن در سال ۱۹۳۶، فقط ۶ فصل داشت، در حالی که آخرین ویرایش آن که در سال ۱۵۵۹ منتشر شد، ۸۰ فصل را شامل می‌شد. به دنبال استقلال ژنو و بیرون راندن اسقف شهر و اختلاف در برنامه اصلی، بزرگان شهر از کالون خواستند که در شهر بماند و به آرمان نهضت اصلاح دینی آنان کمک کند. تلاش‌های کالون برای اصلاح و ایجاد نظم در کلیسای ژنو با مقاومت شدیدی مخالفان مواجه شد و لذا وی به استراسبورگ رفت.

کالون در استراسبورگ به مطالعه و تألیف و نشر عقاید خود پرداخت، تا این که در سپتامبر ۱۵۴۱ مجدداً از کالون خواسته شد به ژنو باز گردد. وی که در این سه سال کار آزموده‌تر شده بود، برای پذیرش مسئولیت آماده‌تر بود. وی پس از یک دهه تلاش و ستیز با مقامات شهر، بالاخره موفق شد و مخالفت با برنامه اصلاحی وی فروکش کرد. کالون در دوره دوم اقامت خود در ژنو توانست هم به طرح الهیات مورد نظر خود و هم به سازمان کلیسای اصلاح شده ژنو پردازد. او یک حکومت دارای قانون اساسی سازماندهی کرد که مبتنی بر مناصب «عهد جدید» بود. او مقرراتی درباره امور دینی و غیردینی وضع کرد. قوانین او مبتنی بر کتاب مقدس بود. هر نوع سرپیچی از قانون مجازات داشت.

او برای اجرای نظم در کلیسا «انجمن کشیشان» را بنیان نهاد و آکادمی ژنو را برای تربیت کشیشان کلیساهای اصلاح شده پایه‌گذاری کرد. وی سرانجام در می سال ۱۵۶۴ درگذشت.

(نگاه کنید به مقدمه‌ای بر تفکر نهضت اصلاح دینی، اثر آلیستر مک گراث؛ درآمدی به مسیحیت، اثر مری جو ویور و تاریخ جامع ادیان، اثر جان بایر ناس).

زبان‌های مهم دنیای مسیحیت آن زمان، از جمله زبان‌های لاتین، عبری و یونانی تسلط داشت. از سوی دیگر، او درس خوانده ادبیات و علوم انسانی و سپس حقوق بود که هر یک در آینده وی تأثیر خاصی داشت. کالون متأثر از عقاید اومانیستی نیز بود. خروجی این مطالعات، مهارت‌ها و عقاید، در دو حوزه نمود بسیار روشن و جدی دارد: نخست انتشار کتاب بسیار مهم و مؤثر مبادی دین مسیحی است که اولین کتاب مهم کلاسیک دوره اصلاحات دینی است. وی این کتاب را در سال ۱۹۳۶ در ۶ فصل منتشر کرد، ولی به دلیل تغییرات و اضافات مکرر، در آخرین ویرایش آن در سال ۱۵۵۹ به ۸۰ فصل افزایش یافت.^۱ دوم، تأسیس حکومت دینی براساس دستورهای کتاب مقدس، که به معنای بازگرداندن مجدد قدرت به کلیسا، بر خلاف دیدگاه‌های لوتر، بود.^۲

اعتقادات کالون

۱. جبر یا تقدیر ازلی؛ یکی از مهم‌ترین و پر سر و صداترین اعتقادات کالون که انتقادهای زیادی را نیز به دنبال داشت، همین نظریه است. در الهیات کالون، مشیت خدا حاکم بر همه امور است و سرنوشت هر چیز و هر کس در جهان، در دست خداست. چون خدا به هر چیزی عالم و قادر مطلق است، لذا می‌داند چه کسی سعید و چه کسی شقی خواهد بود. خدا مقدر کرده که گناه‌کاران در مسیر شقاوت و نیکان در مسیر سعادت حرکت کنند. وی در کتاب مبادی دین مسیح به تشریح آن پرداخته است.^۳
۲. حکومت دینی؛ به نظر کالون تعریف کلیسا به «مقام کشیشی همه مومنان»، که لوتر به آن معتقد بود، کافی نیست. به اعتقاد او کلیسا همان طور که نیاز به همدلی و اخوت دارد، نیاز به قدرت نیز دارد.^۴
۳. کلیسا، واسطه فیض الهی؛ کالون برخلاف لوتر و تسوینگلی، به کلیسا بهای بیشتری

^۱ مک گراث، آلستر؛ پیشین، ص ۲۱۲ - ۲۱۱.

^۲ ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۸۴.

^۳ همان، ص ۵ - ۱۸۴؛

ویلسون، برایان؛ پیشین، ص ۸۰

بومر، فراکلین لوفان؛ پیشین، ص ۴ - ۲۵۲.

^۴ ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۸۴.

می‌داد. او اعتقاد داشت که کتاب مقدس در کلیسا خوانده و فهمیده می‌شود و کلیسا اجتماعی است تحت حاکمیت و فیض خدا. بنابراین، کلیسا برای نجات، ضروری است. کلیسا محل پیمان فیض خداست، چون مؤید به شخص و کار مسیح است.^۱

۴. اهمیت اخلاق و پرهیزکاری؛ او می‌گوید، انسان باید همیشه خود را در منظر حق تعالی بداند و در آن حالت زندگانی کند. مردمان هرزه و عیاش که رقص و قمار و ولگردی را بر مراقبت و تفکر و خواندن کتاب خدا ترجیح می‌دهند، بازیچه شیطانند و به آتش جهنم محکوم می‌باشند.^۲ کالون صرفه‌جویی، کار سخت، جدیت، مسئولیت و اعتماد به نفس را تحسین می‌کرد.^۳

ج) جنبش اصلاحی انگلیکان (تئودور)

تاریخ کلیسای کاتولیک رم در انگلستان به قرن ششم باز می‌گردد. این نهاد، بسیار غنی و قدرتمند بود. در عین حال، انگلستان، نخستین کشوری بود که سلطنت قوی و مستحکمی داشت و می‌توانست در برخی امور با پاپ مخالفت کند.^۴ هم‌چنین این کشور دارای نوعی حکومت پارلمانی بود که قادر بود در بعضی امور با شاه مخالفت کند. اولین نهضت‌های اصلاحی مهم، مانند نهضت وکلیف و ولارد در آن به وقوع پیوسته بود.^۵ عده زیادی از عارفان در قرن چهاردهم در انگلستان ظاهر شدند.^۶ از سوی دیگر کلیسای کاتولیک انگلستان در اواخر قرن وسطی، با نارضایتی درونی مواجه بود، خاطرات بازدیدکنندگان، نشان‌دهنده نگرانی‌های سر اسقف وقت کلیسا از وضعیت نامناسب روحانیون و بروز سوء ظن‌هایی درباره ابعاد مختلف زندگی کلیسا می‌باشد.^۷ نشانه‌های آشکاری از نارضایتی بیرونی وجود داشت. ابراز دشمنی با روحانیان در بسیاری از مناطق، به ویژه لندن، نگران‌های بسیاری را فراهم ساخته بود، گرچه فراگیر نبود.^۸ هم‌چنین در دهه ۱۵۲۰ افکار و آثار لوتر با اقبال شخصیت‌های دانشگاهی، به ویژه

^۱ - همان، ص ۱۸۵؛

^۲ بومر؛ فرانکلین لوفان؛ پیشین، ص ۲۲۳.

^۳ ناس، جان بایر؛ ص ۴-۶۷۳.

^۴ ویور، مری جو؛ ص ۱۸۶.

^۵ ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۸۷.

^۶ همان، ص ۱۸۸.

^۷ همان.

^۸ مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۴۶۹.

همان.

دانشگاه کمبریج قرارگرفت،^۱ دلیل استقبال از آن نیز احتمالاً از همسویی افکار لوتر با حرکت لولاردی انگلستان، که قبل از جنبش اصلاحی به وقوع پیوسته بود و به کلیسا می‌تاخت، باشد.^۲ البته ردپای تأثیر لوتر را در جای دیگر نیز می‌توان یافت، از جمله مذاکرات هنری هشتم با لوتری‌های آلمان جهت همکاری‌های نظامی به منظور مقابله با تهدیدات احتمالی کاتولیک.^۳

بنابراین، مهم‌ترین دلایل و ریشه‌های اولیه بروز و ظهور جنبش اصلاحی در انگلستان را می‌توان در موارد ذیل جمع بندی کرد.

- قدرت بالای حکومت و سلطنت
- وجود نظام پارلمانی
- سابقه نهضت‌های اصلاحی پیشین در انگلستان
- نارضایتی و مشکلات داخلی در کلیسای کاتولیک انگلستان
- انتقاد و مخالفت مردمی با کلیسا و روحانیان آن
- اقبال به افکار و آثار لوتر

اما بر اساس شواهد موجود، مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اثرپذیری را هنری هشتم پادشاه وقت انگلستان داشته است.^۴ نکته جالب این‌که انگیزه او صرفاً سیاسی بود تا دینی.

هنری هشتم به دلیل احساس نیاز به فرزند پسر جهت وارث مطمئن برای سلطنت^۵ در پی ازدواج با خانم دیگری بود.^۶ البته عده‌ای این کار را ناشی از میل نفسانی و هواپرستی می‌دانند. برای انجام این کار وی درخواست موافقت پاپ با طلاق همسرش،

۱. همان، ص ۴۷۰.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴۷۳.

۴. - همان، ص ۴۷۰.

ویور، مری جو؛ ص ۱۸۸.

ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۸.

۵. مک گراث، آلستر؛ پیشین، ص ۴۷۰.

۶. ناس، جان بایر؛ پیشین، ص ۶۷۸.

کاترین را داشت. پاپ به دلیل احساس ناامنی از سوی چارلز پنجم که کاترین عمه‌اش بود، با آن مخالفت کرد. پاپ کلمنت هفتم حتی هنری هشتم را تهدید به طرد و تفکیر در صورت ازدواج مجدد کرد.^۱ شاه در واکنش به آن، با انگیزه‌ای سیاسی به پارلمان فشار آورد تا سلسله قوانینی را تصویب کند. بدین ترتیب، کلیسای انگلستان ملی شد و ریاست آن با شخص پادشاه شد و از آن به بعد باید اسقف‌های انگلستان توسط پادشاه انتخاب شوند. مخالفان آن، از جمله روحانیان کلیسا تهدید شدند که به عنوان خائن شناخته خواهند شد.

هنری به دنبال احساس خطر از هجوم کشورهای کاتولیک همسایه، دست به اقداماتی زد؛ از جمله آن‌ها مذاکرات بالوتری‌ها جهت برقراری پیوندهای نظامی بود. در همین زمان بود که اندیشه‌های لوتر به تدریج، در دستورالعمل‌های دینی رسمی، مانند اصول ده‌گانه راه یافت.^۲ این گرایش شدید به آیین لوتری تقریباً نوعی نمایش سیاسی گذرا بود. گرچه بعداً از ترس مخالفت‌ها از موضع خود عقب‌نشینی کرد.^۳ هنری هر چند تا حدی به آیین لوتری رغبت نشان می‌داد، اما هم‌چنان پاره‌ای عقاید و مناسک سنتی کاتولیک را ترجیح می‌داد.^۴ پس از مرگ هنری در دوره ادوارد ششم، کلیسای انگلستان قدم در راهی کاملاً پروتستانی گذاشت. برخی اصلاحات در این دوران صورت گرفت. کرانمر اسقف اعظم انگلستان با درک ضعف‌ها و نارسایی‌های اصلاحات به لحاظ الهیاتی، دانشمندان برجسته الهیات را از سراسر قاره اروپا برای اقامت به انگلستان دعوت کرد و به نهضت اصلاح دینی، سمت و سو و مبادی الهیاتی داد، اما با مرگ زود هنگام ادوارد در سال ۱۵۵۳، مری تئودور دختر هنری هشتم از همسر اولش کاترین به تخت و سلطنت دست یافت و هدف او بازگشت به آیین کاتولیک بود. وی حتی کرانمر را در آتش سوزاند. بسیاری از پروتستان‌ها از کشور گریختند و به ژنو و زوریخ رفتند و همین موجب تماس مستقیم آنها با نمایندگان برجسته آیین پروتستان شد. پس از مرگ مری، دختر دیگر هنری به نام الیزابت اول جانشین وی شد. الیزابت مجدداً آیین پروتستانی را احیا نمود و با برگشت تبعیدی‌ها، این امر تقویت شد. وی پروتستان انگلیکان را در انگلستان تثبیت کرد. از مهم‌ترین حوادث، شکل گرفتن اصول سی و نه‌گانه در سال

^۱. مک‌گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۲ - ۴۷۰.

^۲. همان، ص ۴۷۳.

^۳. همان.

^۴. همان.

۱۵۶۳ بود که هویتی کاملاً الهیاتی به کلیسای انگلستان بخشید. در این اصول، مبادی و اصول عقاید پروتستان‌های انگلیس خلاصه شده است و تا امروز در آن سرزمین اجرا می‌شود.^۱

نهیضت‌های اصلاحی لوتر و کالون عقیدتی، عبادی و انضباطی و نیز ساختاری بودند و علت‌های عمدتاً دینی داشتند، اما جنبش اصلاحی انگلیکان، شبیه هیچ یک از نهیضت‌های مقارن خود نبود. این نهیضت هنگامی که پایان یافت، بیشتر امور عبادی، اعتقادی و عملی رومی باقی ماند، گرچه در مقام پایی تحولی ایجاد شد. انگلیکان‌ها، مانند کاتولیک‌ها، ساختار کلیسا را که مرجعیت در آن از بالا به پایین اعمال می‌شود، قبول دارند و عبادات تغییر بنیادی نکرده است.^۲ کلیسای انگلیکان، محافظه کارترین جریانی بود که در مذهب پروتستان پدید آمد.^۳

د) نهیضت اصلاحی رادیکال (آناپتیسم)

اصطلاح «آناپتیست» بنیان خود را مدیون تسوینگلی است.^۴ این کلمه نام تحقیرآمیزی است که از لغت یونانی گرفته شده و به معنای «تعمید مجدد» است.^۵ این معنا به مهم‌ترین ویژگی آناپتیسم، اشاره می‌کند که تأکید می‌کند، تنها کسانی که شخصاً و علناً اقرار به ایمان کرده‌اند، باید تعمید داده شوند و تعمید کودکان مبتنی بر کتاب مقدس نیست.

آناپتیسم هر چند در آلمان و سوئیس ظهور یافت، اما پس از چندی در مناطق دیگری، چون اسکاتلند گسترش یافت. این جنبش در مقایسه با دیگر جنبش‌ها، متکلمان کمتری دارد.^۶ چندین گروه آناپتیست در نیمه اول قرن شانزدهم، شکل

۱- همان، ص ۴۷۶.

۲- ناس، جان بایر، پیشین، ص ۶۷۹.

۳- ویور، مری جو، پیشین، ص ۱۸۷.

۴- ویلسون، برایان؛ پیشین، ص ۸۲.

۵- مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۶۳.

۶- ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۹۰.

۷- مک گراث، آلیستر؛ پیشین، ص ۶۴.

گرفتند. آنها اساساً با دیگر گروه‌های اصلاحی در عمل و رفتار متفاوت بودند. به گفته مری جو ویور، پنج عقیده آنها بسیار اساسی بود:^۱ انزوا از دنیا و بی‌تفاوتی به سیاست یا امور دولتی، نفی سوگند، عدم مقاومت و انکار هر نوع خشونت، تعمید افراد بالغ و نه کودکان و بالاخره اشتراک در دارایی‌ها. برخی، آنها را جناح چپ جنبش اصلاح دینی یا نهضت اصلاح‌گرایی بنیاد ستیز نامیده‌اند.^۲ این جماعت، بی‌رحمانه مورد قلع و قمع کاتولیک‌ها، لوتری‌ها و سایر پروتستان‌ها قرار گرفتند، زیرا مذهب آنها را خطر بزرگی برای نظام اجتماعی می‌دیدند. اما آنها در سراسر اروپا پخش شدند و برخی از شاخه‌های آنها، مانند منونی‌ها به آمریکا مهاجرت کردند.^۳ امروزه باپتیست‌ها نیز عقاید مشابه آنها را دارند.

^۱. ویور، مری جو؛ پیشین، ص ۱۹۱.

^۲. مک گراث، آلستر؛ پیشین، ص ۶۵.

^۳. ویلسون، برایان؛ پیشین، ص ۸۱.

پیش شماره اول ، زمستان ۱۳۸۷

پروژه‌های منطقه

۶۱